

تاریخ فشرده درفش سه رنگ و شیر و خورشید

از دوران های پیش از زایش « میترا ی آدمی روی » این باور در میان آریانیان (ایرانیان) روا میبوده که سر انجام رهائی دهنده ای خواهد آمد و به این باور میبوده اند که خوار و بار و بهروزی و فراوانی به گونه گاو فریبهی است که در درون غاری جای دارد و هنگامیکه میترا زاده شد گفتند که او همان رهائی بخشی است که ما چشم بر اهش بودیم. و هم اوست که باید گاو را بکشد. ایرانیان شیر را نماد نیرومندی و مردانگی و سروری میپنداشتند.

برگه ها ئی که در کاوش های باستانشناسی بدست آمده نشان میدهد که پیوند تنگاتنگی میان پیکره "شیر" و "میترا" وجود دارد. نقشی که در زیر پله های کاخ آپادانا در تخت جمشید میبینیم (شیری گاوی را می درد) این گمان را استوار تر میکند. در برگه های بدست آمده در اروپا (آنین میترا تا بدانجا رسوخ کرده بود) میبینیم که "میترا" که گاه زاده سنگ گاه زاده خورشید، گاه زاده و همتای «آناهیتا» خوانده میشود در غاری گاوی را میکشد. در آوند ها، سنگ نبشته ها، برگه ها، کاسه ها و بشقاب های ایران کهن نمونه هایی از شیر که گاوی را میکشد نمودار است.

در درازای تاریخ به برگه های استواری بر میخوریم که پدران ما «خورشید» را بر تر از دیگر «خدای گونه» ها بر شمرده و آنرا نشانه بی مرگی، بر تری و نیرو مندی میدانستند. همچنین میدانیم که "میترا" یا ایزد مهر را خدای روشنایی و نیرومندی میانگاشته اند و خورشید را نماد و سمبول او میشمردند و بر آن بودند که خورشید با گوش و چشم سراسر گیتی را در زیر نگرش خویش دارد. به همین انگیزه به خورشید "مهر" هم گفته میشود که نام دیگر میترا است. (چگونه است که اسلام و آنین های دیگر این باور ها را به نفع خود تغییر داده اند)

در ادبیات "مزد یسنا، یشت ها" زرتشت همبستگی میان میترا و (خورشید) را پذیرفته و میگوید: خورشید نشانه پادشاهی و چیرگی ایران بوده است. در بالای چادر شاهان چهره خورشید که از بلور ساخته شده بود میافراشتند. گمان کرده اند که ایرانیان خورشید پرستند ولی در باور ایرانیان « شسید » (نور) است که بزرگترین آفریننده همه چیز است و خورشید تنها باز تابی از اهورا مزدا (خدا) است.

هخامنشیان و درفش

زنجیره شاهان آریایی بر امپراتوری ایران بزرگ فرمان راندند. سواران پیشاپیش میرتاختند و سپس بار و بنه و سپس پیادگان می آمدند. کورش در پیش سواران میرفت. هر دسته از شپاه پرچی داشت. پرچم کورش عبارت بود از پیکره شهابی (عقابی) با بالهای باز که بر روی نیزه ای بلند نصب کرده اند. نشان از این است که بر روی پارچه ای نقش نبسته است. شهباز نشان توانمندی و بلند پروازی و تیز بینی بوده و در بیشتر برگه ها و سنگ نبشته ها دیده میشود. درفش کاویان آنان آنگونه که از برگه ها بر میاید مستطیل بوده که بر چهار سه گوشه تقسیم شده بود.

ساسانیان و درفش

ساسانیان به پرچم خود درفش کاویان میگفتند که از یک تکه چرم چهار گوش که بر بالای نیزه ای استوار شده بود که نوک نیزه از پشت آن پیدا بود. روی چرم را دیبا کشیده بودند و گوهر کاره شده بود و نقش ستاره ای چهار پر در میان آن بود که فردوسی آنرا «اختر کاویانی» میگوید. درفش ساسانیان همان درفش کاویان فریودن بود منتها بزرگتر و در پایین درفش چهار رشته نوار به رنگ های سرخ، زرد و بنفش آویخته بود که نوک رشته ها را گوهر نشان کرده بودند. این همان رنگ هائی است که در شاهنامه آمده است

هجوم تازیان

در نبردی که میان تازیان و ایرانیان در نزدیکی نهاوند رخ داد سپاه ایران شکست خورد و تازیان به درفش کاویان ساسانیان دست یافتند و به همراه فرش بهارستان نزد عمر فرزند خطاب بردند که از گوهر های بسیار پرچم شگفت زده شد و دستور دار فرش را تکه کردند و پرچم را سوزاندن و گهر های آنرا تقسیم نمود.

پس از هجوم تازیان به ایران که نمایش نقش تندیس بر گرده شیر که نمادی از خدا میبوده با اسلام هم آهنگی نداشته را برداشتند و بجای تندیس میترا فقط نماد خورشید بر پشت شیر سوار کردند و نشان شیر و خورشید از آن هنگام بدون تندیس میترا نمایان شد.

(به برگه و نگاره های این صفحه نگاه کنید (www.sanibrite.ca/iran/flaghistory.asp) .

صفویه و پرچم

تا زمان صفویه نقش شیر و خورشید در تمامی پرچم های ایران بوده است. شیر و خورشید یک نماد ملی بوده و با دگرگون شدن پادشاهان این نشان ملی دگرگون نمیشده. تنها شاه اسماعیل و شاه تهماسب بر روی پرچم خود نشان شیر و خورشید نداشتند. پرچم شاه اسماعیل یکسره سبز و بر بالای آن نقش ماه میبوده است. شاه تهماسب که در ماه (حمل) گوسپند دنیا آمده نقش گوسپند را در روی پرچم نقش کرد. در زمان صفویه آیات قران و کلمات تازی (عربی) بر روی پرچم ظاهر شد.

افشاریه و پرچم

تا زمان نادر شاه افشار پرچم ها در بیشتر موارد نوک تیز است و از همه رنگ ها استفاده شده. نادر شاه این مرد خودساخته و میهن پرست که از دل مردم برخاسته و ایران تکه پاره را به زیر یک پرچم آورد و تا هندوستان، مرز چین، خوارزم، موصل، کرکوک، بغداد و دهلی را زیر پا گذاشت و تا آن زمان که پرچم یک رنگ بود (سبز یا سرخ یا سیاه) دارای سه رنگ سبز و سپید و سرخ با هم شد. درفش شاهی نادر سرخ و زرد و دارای نقش شیر میبوده. پرچم در زمان نادر چهار گوش است. بنا بر این پرچم مستطیل و سه رنگ نادر مادر پرچم سه رنگ ایران است که نقش شیر و خورشید بر آن نشسته ولی هنوز شیر شمشیری در دست ندارد.

شمشیر و قاجار ها

در هیچیک از نگاره ها، سکه ها، نوشته ها، سنگ نبشته هاو قالیچه های ایرانی تا زمان قاجار نقشی از شمشیر دیده نمیشود و هنوز شیر و خورشید تنها نماد ملی ایران باقی میماند.

آقا محمد خان قاجار با تمام کینه ای که با افشاری ها داشت از سه رنگ تنها سبز را از پرچم برداشت و سرخ را رها نمود ولی در میان آن دایره سپیدی را نگاه داشت و هنوز شیر و خورشید را که از پیشینیان رسیده از میان نبرد. گرچه شاهان و امیران همدیگر و قبیله ها را از بین میبرد ولی شیر و خورشید که نماد ملی است بر جای میماند.

چون آقا محمد خان بشدت مذهبی بود و بعضی پرچمهای صفویان شیر و خورشید و برخی شمشیر دو سر علی را نقش کرده بود را در هم آمیخت و شمشیر بدست شیر داد. شمشیر نماد نیرومندی و نشان مردانگی و توانمندی، نیرو و دلاوری میبوده. نظامی گنجوی میگوید:

با لشکر خود کشیده «شمشیر» افتاده در آن قبیله چون «شیر»

در زمان فتحعلی شاه دو گونه پرچم میبوده؛ یکی پرچمی یکسره سرخ رنگ با شیری نشسته (بی شمشیر) و خورشید بر پشت آن در میان پرچم، بالای چوب پرچم دستی از سیم ناب کار گذارده بودند که شاید نمادی از دست

امام علی بوده است. این درفش زمان جنگ بوده است. دیگری درفشی بود یکسره سبز رنگ باز هم شیری نشسته (با شمشیر) و خورشید بر پشت و بر بالای چوب پرچم پیکانی زرین کار گذارده بودند؛ این پرچم زمان صلح میبوده. در هر دو پرچم پرتوهای خورشید سراسر پهنه پرچم را پوشانیده است.

سفیر فتحعلی شاه در هنگام ورود به شهر پترو گراد نگاره زیبایی از شیر و خورشید که بر پرچمی یکسره سپید کشیده شده در جلو حرکت میداده. با نگرش به پرچم زمان جنگ و صلح و پرچم سپید زمان دوستی میتوان انگاشت که در آن زمان سه رنگ پرچم میبوده سرخ، سبز و سپید.

تاج، پرچم و محمد شاه

در زمان محمد شاه قاجار تاج بر بالای نشان شیر و خورشید ظاهر میشود. سندی از زمان قاجار در دست است که در کتاب «پارس» لویی دو بو Luis De Beaux نیز به آن اشاره شده: «پس برای هر دولتی نشانی ترتیب داده اند. دولت علیه ایران را هم نشان «شیر و خورشید» متداول بوده است که قریب سه هزار سال، بل متجاوز، از عهد زرتشت این علامت بوده. سبب انتشار آن شاید این باشد که در دین زرتشت، آفتاب را مظهر کل و مربی عالم میدانستند...»

سر انجام در یکسد و پنجاه سال پیش دستگاه فرمانروایی ایران میپذیرد که نشان شیر و خورشید یک نشان فرهنگی، تاریخی و دینی که ریشه در هزاره های کهن (از زمان زرتشت، بل متجاوز) دارد.

امیر کبیر و پرچم

امیر کبیر این مرد میهن پرست دستور داد بر روی خرابه های مساجد سرپاز خانه ساخته شود، لباس سربازان را یکنواخت و تنها از پارچه بافت ایران استفاده شود و دستور داد تا دکمه های لباس سربازان نشان شیر و خورشید داشته باشد. این نشان در روی دکمه لباس ها تا بهمن هزارو سیصد و پنجاه و هفت باقی ماند. با نگرش و دل بستگی که به نادر شاه داشت پرچم های سه گانه زمان فتحعلی شاه را بهانه کرد و دستور داد درفش ایران دارای همان سه رنگ سبز، سپید و سرخ زمان نادری یکپارچه گردد. همچنین نقش تاج را از بالای نشان شیر و خورشید برداشت ولی در شمشیر و شکل پرچم (مستطیل) دگر گونی بوجود نیاورد.

شکل درفش

در سال هزارو دویست و هشتاد و چهار خورشیدی برابر با هزارو نه صد و شش پارسایی که جنبش مشروطه را مظفر الدین شاه دستینه نهاد در متمم قانون اساسی شکل درفش به این صورت آمده است: «الوان رسمی بیرق ایران، سبز، سفی دو سرخ و علامت شیر و خورشید است» در این برگه تاریخی از کنار هم قرار گرفتن و اندازه رنگ ها و پهنای درفش سخن بمیان نیامده.

در مجلس یکم شماری روحانی بودند که به پیروی از دین اسلام نگاشتن نگاره ها را نا روا میدانستند. گروهی نو اندیش که شمارشان بسیار بود بر آن شدند که نگارند نازش های فرهنگ گذشته پامال شود. از جمله اینان شادروان ارباب کیخسرو و شاهرخ نماینده زرتشتیان بودند. با ریزی برنامه ای حساب شده ریختند و در جلسه مجلس پس از سر آغازی شیوا گفتند:

« همه میدانیم که نود در صد ایرانیان مسلمانند. و رنگ سبز رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ دین است. پس بر بالای پرچم جای گیرد.

زرتشتیان هزاران سال پشت اندر پشت در این سرزمین زاده و زندگی کرده اند در قرآن نیز اشاره ای به این دین شده. رنگ سپید که رنگ ویژه کیش زرتشتی است و همچنین رنگ آشتی و پاکدلی است بیاس بزرگداشت این مردم آزاده در زیر رنگ سبز جایگزین کنیم.

به پاس خون شهیدان راه اندیشه و باور بویژه فرزند علی و انقلاب مشروطه رنگ سرخ را در آن جای دهیم.

هنگامیکه مجلس کاملاً آماده شده سخن به نشان شیر خورشید میکشد و گفته میشود. انقلاب مشروطه در امرداد به پیروزی رسید، ماه امرداد در برج اسد (شیر) جای دارد، از سوی دیگر چون بیشتر مسلمانان ایرانی "شیعه" و پیرو علی هستند و شیر همچنین پیشنامی از نام های علی است و او را "اسد الله" می خوانند بر این پایه شیر را هم که نشانه امرداد و هم نشانه پیشوای یکم است بیادگار به پرچم نقش کنیم.

چون مشروطیت در میانه امرداد به پیروزی رسید و خورشید در این روز در اوج نیرو مندی و گرمای خود است پیشنهاد میکنیم خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کنیم که هم نشانه علی باشد هم نشانه امرداد و هم یاد آور روز چهاردهم امرداد و هم نشانه کهن ایرانیان. (نکته در خور توجه اینکه به «میترا» ارتباط آن با خورشید و مهر نشده تا مبادا روحانیان درون مجلس بر آشفته شوند.) زمانیکه دیدند زمینه مساعد است و مخالفی نیست گفتند حال که شیر را نشانه علی دانستیم باید "ذوالفقار" را نیز به دستش بدهیم.

نمایندگان دور اندیش با شتاب بر اساس اصل پنجم متمم قانون اساسی پیشنهاد و به تصویب رساندند. در این برگه تاریخی اشاره ای به تاج در بالای شیر و خورشید نشده است.

خمینی و نشان ملی

هنوز یکی دو سه ماه بیشتر از بهمن پنجاه و هفت نگذشته بود که خمینی در یک سخنرانی گفت:
«بیاندازید این شیر و خورشید منحوس (!) را. بیاندازید این علامت شاهنشاهی را (!!)».

بدنبال این سخن نا سنجیده عده ای از هواداران چشم و گوش بسته با چکش نادانی بجان آثار باستانی و ساختمان ها افتادند که مهدی بازرگان زیان چشمگیر را به او گوشزد کرد ولی با وجود کوشش های فراوان و هشدار ها خمینی با بر بالای بالکن ظاهر شد و گفت:

«اگر از میان بردن این علامت منحوس (!) شیر و خورشید، هشتاد میلیون هم ضرر میزند - که نمیزند (!) - ممانعی ندارد، آنها را از بین ببرید (!!)»

شگفت اینکه علامه طباطبائی از روحانیان دلبسته به خمینی در چامه ای میگوید:

بود کیش من "مهر" دلدار ها	همی گویم و گفته ام بار ها
بروندن زین حلقه هشیار ها	پرستش به مستی است در کیش "مهر"
بریزند از جام جان بار ها	بهین مهر ورزان که آزاده اند

عده ای که نگران نابودی برگه ها و فرهنگ ملی بودند این علامت را پشت گچ ها و تابلو ها پنهان کردند باشد که روزی دیگر و زمانی دیگر همانگونه که خورشید از پشت ابر ها بیرون میآید شیر و خورشید پنهان شده در پشت گچ ها و سیمان ها و در دل میهن پرستان باز هویدا شوند و چشم ایرانیان ملت گرا را نوازش دهند.

شیر و خورشید نشانی تاریخی و فرهنگی است و ریشه در باور های ما در هزاره های گذشته دارد و بسی ژرف تر از آن است که ما آنرا به این و آن نسبت دهیم.

ایرانی میهن پرست این نشان را به شخص یا قبیله خاصی منسوب نمینماید.

در تهیه این مطلب از کتاب «شیر و خورشید نشان سه هزار ساله» گرد آوری و نوشته ناصر انقطاع استفاده شده برای . این کتاب زیننده هر کتابخانه ای است و داشتن آنرا به هر ایرانی میهن پرست سفارش مینماییم. برای تهیه آن میتوانی با ما تماس بگیری.